

خوانشی نو از آیات اذن قتال «أذن للذين يقاتلون...» با تکیه بر نزول مکی سوره حج

امیر احمد نژاد*

زهرا کلباسی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

براساس روایات ترتیب نزول تاریخ‌گذاری سوره حج به سال پنجم هجری خواهد رسید. لیکن بسیاری از مفسران برخلاف روایات مذکور، به سبب وجود آیات اذن قتال در این سوره، قائل به نزول آن در سال اول هجری شده‌اند. در عین حال سیاق مکی سوره حج موجب شده تا اغلب مفسران این سوره را آمیزه‌ای از آیات مکی و مدنی، بدون تعیین زمان دقیق نزول بدانند. مستندات مفسران در نزول مدنی سوره حج بر اقوال متقدمان، برخی روایات شأن نزول، روایات ترتیب نزول و مدنی بودن دستور به جهاد و به تبع آن آیات اذن قتال در این سوره، استوار است. در حالی که اقوال متقدمان متشکک بوده و روایات شأن نزول و ترتیب نزول با سیاق سوره ناهماهنگ است. در مقابل سیاق مکی سوره حج، روایات شأن نزول ذیل آیات اذن قتال و گزارش‌های تاریخی از وقایع نزدیک به هجرت پیامبر، نشانگر نزول این سوره در سال آخر حضور پیامبر در مکه است. این ایام مقارن با هجرت تدریجی مسلمانان به مدینه بوده است؛ لذا آیات اذن قتال در شهر مکه، خطاب به مهاجرانی که در مسیر هجرت در معرض تهاجم قرار داشتند، نازل شده تا برای حفظ حیات خود اجازه دفاع و مقابله با مشرکان را داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: سوره حج، اذن قتال، هجرت، مکی، تاریخ‌گذاری.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول). Ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان. Zahrakalbasi@gmail.com

مقدمه

مفسران از عصر متقدمان تا دوران معاصر همواره در تاریخ‌گذاری سوره حج با ابهامات زیادی مواجه بوده‌اند. از یک سو قرائن خارجی همچون روایات ترتیب نزول و برخی روایات سبب نزول نشانگر نزول مدنی این سوره است. از سوی دیگر در نگاه نخست به نظر می‌رسد سیاق این سوره ترکیبی از آیات مکی و مدنی به صورت درهم است.

آیاتی که مخاطبان را از تحقق حتمی قیامت آگاه ساخته و به صراحت به مشرکان وعده عذاب داده یا کردار آنان در تقابل با مؤمنان را مورد عتاب قرار داده، نشان از نزول مکی این سوره دارد. در مقابل آیاتی که به مؤمنان اذن قتال داده و جواز مقابله به مثل با مشرکان را صادر کرده یا به مهاجرانی که در راه هجرت به مدینه به مرگ طبیعی یا شهادت از دنیا رفته‌اند، ثواب اخروی را مژده داده، از نزول مدنی این آیات حکایت دارد.

تفاوت رویکرد این آیات موجب شده تا مفسران در تاریخ‌گذاری این سوره، پنج دیدگاه متعارض اتخاذ نمایند. برخی قائل به نزول مکی سوره حج، برخی قائل به نزول مدنی این سوره، برخی قائل به نزول سوره حج در مدینه با وجود مکی بودن برخی آیات و برخی نیز قائل به نزول مکی این سوره و وجود معدود آیات مدنی در آن و عاقبت گروهی نیز قائل به نزول مکی - مدنی این سوره به گونه‌ای آمیخته شده‌اند.

با وجود این یکی از برجسته‌ترین آیات سوره حج، آیات اذن قتال مؤمنان اخراج شده از مکه با مشرکان است که هرچند غالب مفسران در نزول مدنی آن تردیدی نداشته‌اند، لیکن سیاق مکی این آیات و

قرائنی که نشان از آغاز جواز دفاع مسلمانان در این آیات دارد، مفسران را در تعیین تاریخ‌گذاری این آیه و حکم آن دچار سرگردانی ساخته است. این مسأله زمانی پیچیده‌تر خواهد شد که روایات ترتیب نزول این سوره را دست‌کم در سال پنجم هجری تاریخ‌گذاری کرده‌اند که نزول آیات اذن قتال در آن ایام که مسلمانان چندین جنگ دشوار را پشت سر نهاده‌اند، امری بی‌معنا است.

به همین منظور این نوشتار با محوریت بازخوانی آیات اذن قتال به مؤمنان، ابتدا آنها را در بافت مدنی سوره مورد خوانش قرار داده و پیامدهای نزول مدنی این آیات را مورد نقد و بررسی قرار داده و سپس با جایگزینی این آیات در بافت مکی سوره، چگونگی نزول آیات جواز قتال در بافت اجتماعی این شهر را مورد کاوش قرار داده و در نهایت با ترسیم سیاق متفاوتی از سوره حج، به تاریخ‌گذاری نوینی از آیات اذن قتال دست یافته است.

۱. آیات اذن قتال

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ (۳۸) أذْنٌ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمٍ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰) الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج/۴۱).

این آیات از دفاع خداوند از مؤمنانی که

نزول چندپاره این سوره در مکه و مدینه هستند. در ادامه به مستندات نزول مدنی سوره حج اشاره می‌گردد.

الف) اقوال متقدمان

متقدمان در تاریخ‌گذاری سوره حج دارای اختلافات جدی بوده‌اند. برخی این سوره را به‌طور مطلق مدنی، برخی مدنی همراه با چند آیه مستثنای مکی و برخی مکی همراه با چند آیه مستثنای مدنی و برخی نیز به‌طور کامل مکی دانسته‌اند. در میان اقوال مؤید نزول مدنی سوره حج، چهار روایت از ابن عباس، عبدالله بن زبیر (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۲/۴)، مجاهد و عیاش بن ابی ربیع (طوسی، بی‌تا: ۲۸۷/۷) نقل شده که سوره حج را به‌طور مطلق مدنی توصیف کرده‌اند. از قناده نیز روایتی نقل شده که سوره حج را جز در آیات ۵۲-۵۵، مدنی دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۲۸۷/۷). همچنین نزول مدنی سوره حج به ضحاک نسبت داده شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۰۵/۴).

ب) روایات ترتیب نزول

در روایات ترتیب نزول منسوب به امام صادق و ابن عباس سوره حج میان دو سوره مدنی نور و منافقون قرار گرفته و به‌عنوان صد و چهارمین سوره قرآن معرفی شده است (شهرستانی، ۱۳۶۸: ۸-۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۱۳/۱۰). با توجه به آنکه آیات ابتدایی سوره نور در پی حادثه **افک** در سال پنجم هجری (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۱۸-۳۲۴) و آیات پایانی آن در رابطه با حفر خندق در آستانه جنگ احزاب در همان سال نازل شده (ابن هشام، بی‌تا: ۲۱۶/۲؛ غازی، ۱۴۱۱: ۲۹۲)، تاریخ نزول این سوره به سال پنجم هجری خواهد رسید.

مشرکان با آنان می‌جنگند خیر داده و به‌سبب ظلمی که به آنان وارد می‌شود، به ایشان اذن قتال داده و به فرارسیدن نصرت خویش امیدوارشان ساخته است. سپس علت دشمنی و اخراج مؤمنان از سرزمینشان توسط کفار را اظهار ایمان آنان به خداوند یگانه بیان کرده و حکمت جواز قتال مؤمنان با مشرکان را این‌گونه بیان کرده که اگر آنان نتوانند شر دشمنان دین را از خود دور کنند، همه عبادتگاه‌های توحیدباوران اعم از صومعه‌ها، کنیسه‌ها و مساجد (که نمادی از حیات ادیان الهی است) نابود خواهد شد. آخرین آیه نیز مؤمنان را پس از غلبه بر دشمنان، به نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر توصیه نموده است.

۲. خوانش مدنی آیات اذن قتال

مفسران در تاریخ‌گذاری سوره حج همواره آراء متعارضی اتخاذ کرده‌اند. در این میان برخی تمام سوره حج را مدنی یا مکی و برخی بخشی از آن را مکی و بخشی را مدنی دانسته‌اند. آنچه در این بخش قابل بررسی است، رویکرد مفسرانی است که تمام یا بخشی از این سوره را مدنی معرفی کرده‌اند. در این باره به مفسرانی همچون هواری (۱۴۲۶: ۸۶/۳)، ابن ابی‌زمین (۱۴۲۴: ۲۰)، طوسی (بی‌تا: ۲۸۷/۷)، سیوطی (۱۴۰۴: ۳۴۲/۴)، طباطبایی (۱۳۷۴: ۴۷۶-۴۷۷)، صادقی (۱۳۶۵: ۹/۲۰-۱۱) و قاسمی (۱۴۱۸: ۲۲۹/۷) می‌توان اشاره کرد که قائل به نزول مدنی سوره حج هستند. مفسرانی همچون ابن عطیه (۱۴۲۲: ۱۰۵/۴)، قرطبی (۱۳۶۴: ۱/۱۲)، آلوسی (۱۴۱۵: ۱۰۵/۹)، ابن عاشور (بی‌تا: ۱۳۱/۱۷-۱۳۳)، سیدقطب (۱۴۱۲: ۲۴۰۵-۲۴۰۶) و مراغی (بی‌تا: ۸۳/۱۷) نیز قائل به

از سوی دیگر مفسران و مورخان درباره سبب نزول سوره منافقون اجماع دارند که در پی درگیری عبد الله بن ابی با یکی از مهاجران در راه بازگشت از جنگ مریسیع (بنی مصطلق) نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۰/۲۸-۷۱؛ سمرقندی، بی تا: ۴۵۱/۳-۴۵۳؛ واحدی، ۱۳۸۳: ۲۲۸-۲۲۹؛ ابن هشام، بی تا: ۲۹۰/۲؛ یعقوبی، بی تا: ۵۳/۲). بنا بر قول مشهور، زمان وقوع این نبرد شعبان سال پنجم هجری بوده است (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۰۹-۳۱۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۸/۲-۵۰؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۲۷-۲۲۸)؛ در نتیجه با توجه به نزول دو سوره نور و منافقون در سال پنجم هجری که قبل و بعد از سوره حج قرار گرفته‌اند، تاریخ‌گذاری سوره حج نیز براساس جایگاه آن در روایات ترتیب نزول در همان سال پنجم هجری تخمین زده می‌شود.

برخی محققان نیز بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به سیاق سوره حج و تنها برپایه روایات ترتیب نزول و روایات سبب نزول با اندکی تغییر و اصلاح، قائل به نزول این سوره در سال پنجم هجری شده‌اند (اقبال، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۵)، درحالی‌که سیوطی این سوره را از حیث مکی یا مدنی بودن، در زمره سور اختلافی معرفی کرده (سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۸/۱) و دروزه نیز در فهرست ترتیب نزول تحقیقی خود، سوره حج را در شمار آخرین سور مکی قرار داده که البته برخی از آیات آن در سال‌های بعد در مدینه نازل شده است (دروزه، ۱۳۸۳: ۷/۶-۸).

ج) روایات شأن نزول

مفسران ذیل برخی آیات سوره حج به ذکر سبب نزول آنها پرداخته‌اند که گزارش مختصر آن چنین است:

دو آیه نخست سوره حج که درباره وقوع حتمی قیامت است و طبق روایتی پیامبر آن را شبی در یک اردوگاه نبرد با مشرکان برای یاران قرائت کرد. مسلمانان در پی این آیات تا روز بعد از زندگی دست شسته و از خوف قیامت با اندوه اشک می‌ریختند (طبری، ۱۴۱۲: ۸۶/۱۷؛ سمرقندی، بی تا: ۴۴۷/۲). برخی مفسران این حادثه را مربوط به اردوگاه جنگ مریسیع دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۳/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۳/۴) که در سال پنجم هجری حادث شد.

آیات ۸-۹ را مفسران در وصف ابوجهل و نضر بن حارثه دانسته‌اند که قرآن و قیامت را انکار می‌کردند و خداوند به آنان وعده خواری داد و در جنگ بدر نیز جانشان را ستاند (تعلبی، ۱۴۲۲: ۹/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۴). این آیات نیز برحسب حیات این دو مشرک در مکه، دلالت ضمنی بر مکی بودن دارد.

برای آیه ۱۱ که به مذمت منافقان پرداخته، دو سبب نزول ذکر شده است. نخست آنکه این آیه درباره گروهی از اعراب که ایمان آورده بودند و هرگاه وسعت مالی‌شان خوب بود موحد بودند و هرگاه سختی و فقر به آنان می‌رسید از ایمان دست می‌شستند، نزول یافته است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۷۶-۲۴۷۷/۸). طبق سبب دوم، این آیه درباره یهودی مسلمان شده‌ای که در پی مشکلات به اسلام بدگمان شد، نازل گردید (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۶/۴). هرچند این روایات دلالت روشنی بر زمان نزول آیه ندارد، اما برحسب ایمان اغلب اعراب پس از فتح مکه، دلالت ضمنی بر مدنی بودن دارد.

را مخلوطی از آیات مکی-مدنی معرفی می‌نماید.

د) مدنی بودن حکم جهاد

مستند برخی مفسران در اثبات مدنی بودن سوره حج، حضور آیات اذن قتال در این سوره است. این مفسران با باور به آنکه آیات قتال مختص سور مدنی است و پیامبر در ایام مکه هیچ‌گاه به قتال روی نیاورده، وجود آیات ۳۸-۴۱ حج (آیات اذن قتال) را نشان از مدنی بودن این سوره دانسته‌اند. برخی از مفسران هم روایتی از پیمان عقبه دوم نقل کرده‌اند که مردم مدینه قصد قتال در مکه داشتند، لیکن پیامبر مخالفت کرده و فرمود: من به این امر مأمور نشده‌ام (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۳۲/۱۷؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۲۴۰۵-۲۴۰۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۶/۱۴-۴۷۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰/۲۰-۱۱).

۳. پیامدهای نزول مدنی آیات اذن قتال

مفسران قائل به نزول مدنی سوره حج و غالب مفسرانی که بخش‌هایی از سوره حج را مدنی در نظر گرفته‌اند، نزول آیات اذن قتال را در مدینه تاریخ‌گذاری کرده‌اند. تاریخ‌گذاری مدنی این آیات مستلزم پاسخ به چند سؤال است.

نخست آنکه جایگاه این آیه در میان آیات مدنی متعدد در حوزه جهاد چیست؟ دوم با در نظر گرفتن تاریخ‌گذاری این آیه در حوزه جهاد، زمان نزول این سوره چه زمان خواهد بود؟ سوم با توجه به تخمین تاریخ‌گذاری سوره حج در روایات ترتیب نزول، آیات اذن قتال چگونه تحلیل خواهد شد؟ چهارم با توجه به سیاق این آیات که نشانگر جواز قتال با مؤمنانی است که از مکه اخراج شده‌اند، مخاطب این آیات تنها

آیات ۱۹-۲۲ که به توصیف وضعیت اخروی دو گروه مسلمانان و مشرکان پرداخته را برخی مفسران درباره شش نفر از جنگجویان مسلمان و مشرک جنگ بدر دانسته‌اند (سمرقندی، بی‌تا: ۴۵۳/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۳/۷) و برخی به‌طورکلی در وصف مسلمانان و اهل کتاب به‌عنوان بی‌دینان (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۲۰/۳)، این سبب نیز اگر مصداق آیات نباشد، سبب نزول مدنی است.

آیه ۲۵ که در مذمت مشرکان به سبب ممانعت از عبادت خداوند و (ورود به) مسجدالحرام است را برخی در وصف ممانعت مشرکان از عمره حدیبیه دانسته‌اند (سمرقندی، بی‌تا: ۴۵۵/۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۱۶/۲۳). برخی نیز به شکل عجیب تنها برای قسمت آخر آیه که وعده به عذاب مشرکان داده، سبب نزولی نقل کرده‌اند که درباره دو مسلمان که با هم اختلاف یافته و یکی دیگری را کشت و به مکه گریخت، دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۲۱/۳-۱۲۲). این آیه نیز بنا بر هر دو سبب مدنی است و طبق سبب دوم ظاهراً این آیه به دو بخش تقسیم شده و هریک در برهه‌ای متفاوت نازل شده است.

برای آیات ۳۸-۴۱ که درباره اذن قتال سخن گفته روایات فراوانی نقل شده که همگی نشانگر نزول مکی این آیات در آستانه هجرت است که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد. آیات ۵۲-۵۵ درباره افسانه غرانیق نقل شده که نشانگر نزول مکی این آیات است. این روایت را اغلب، مفسران متقدم نقل کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۱/۱۷-۱۳۳) در مجموع چنان که هویداست روایات سبب نزول دلالتی بر نزول مدنی مطلق سوره حج نداشته؛ بلکه این سوره

مهاجران هستند یا عموم مسلمانان و مصداق خارجی این قتال کدام نبرد است؟ در ادامه به منظور بررسی پیامدهای نزول مدنی آیات اذن قتال، پاسخ مفسران برای هر سؤال به طور مستقل ذکر خواهد شد.

نسبت به سؤال نخست، اغلب مفسران این آیه را نخستین آیه در حوزه قتال دانسته‌اند (طوسی، بی تا: ۳۲۱/۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵/۷؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸: ۳۳۵/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۶۰/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۸/۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۲۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶۸/۱۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵۴۰/۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۱/۱۴؛ مراغی، بی تا: ۱۱۷/۱۷) و برای آن سه استدلال ذکر کرده‌اند.

اول آنکه در این آیات به صراحت از اذن قتال سخن گفته شده است. دوم آنکه در این آیات هدف از تشریح قتال که بقای ندای توحید است و در همه اعصار جریان داشته، سخن به میان آمده که این توضیحات مقدماتی متناسب با تشریح حکم جهاد برای نخستین بار است. سوم آنکه از نصرت الهی برای مؤمنان سخن گفته و وعده به نابودی مشرکان همانند بی ایمانان سایر امت‌ها داده که این تهییج و تثبیت متناسب با زمانی است که مسلمانان برای اولین بار با حکم دشوار جهاد مواجه می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۱/۱۴-۵۴۲).

اغلب مفسران به سؤال دوم پاسخ صریحی نداده‌اند؛ بلکه با تصریح بر آنکه این آیات اولین آیه در حوزه قتال است، تلویحاً بر نزول آن در اوایل مدینه صحه نهاده‌اند؛ اما برخی مفسران به این مسأله پرداخته و زمان نزول این آیات را ابتدای ورود پیامبر به مدینه، قبل از جنگ بدر دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۳؛ سمرقندی، بی تا: ۴۶۲/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵/۷؛

قرطبی، ۱۳۶۴: ۶۸/۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۶/۱۴-۴۷۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰/۲۰-۱۱؛ مراغی، بی تا: ۱۱۸/۱۷).

چنان‌که علامه طباطبایی درباره سیاق این سوره و از جمله آیات جواز قتال این‌گونه نگاشته: «از خطاب‌های این سوره به مشرکان و مشابیه‌شان به سور مکی برمی‌آید که مشرکین هنوز شوکت و نیرویی داشته‌اند. از سویی خطاب‌ها به مسلمانان به گونه‌ای است که نشان از شکل‌گیری جماعت نوپایی در میان مسلمانان دارد که در ابتدای راه هستند و اندکی قدرت دارند. با این بیان به‌طور قطع باید گفت این سوره در مدینه نازل شده، هرچند نزول آن در اوایل هجرت و قبل از جنگ بدر بوده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۶/۱۴-۴۷۷).

مفسران اغلب دغدغه پاسخ به سؤال سوم و حل این تعارض را نداشته‌اند. بلکه بدون اشاره به روایات ترتیب نزول و نقد یا اثبات آنها، تنها به این مسأله که آیات جواز قتال نخستین آیه در حوزه جهاد است تصریح کرده‌اند. درحالی‌که پیشتر بیان شد که در روایات ترتیب نزول، سوره حج پس از نور واقع شده که با توجه به نزول سوره نور در نیمه دوم سال پنجم هجری، نزول سوره حج دست‌کم به پایان سال پنجم هجری خواهد رسید. در این صورت با توجه به آنکه تا پایان سال پنجم هجری پیامبر غزوات مهمی از جمله سه جنگ بدر، احد و احزاب را پشت سر نهاده، از سویی تشریح اذن قتال امری بی‌معنا خواهد بود و از سوی دیگر پذیرش این آیات به‌عنوان نخستین آیه در حوزه جهاد غیرممکن خواهد شد. در نتیجه اگر از بی‌دقتی مفسران به این تعارض با تساهل عبور نماییم،

دست‌کم بی‌اعتباری جایگاه سوره حج در روایات ترتیب نزول حتمی خواهد بود.

ابوحیان مفسر دیگری است که سوره حج را در سال ششم هجری و در آستانه صلح حدیبیه تاریخ-گذاری کرده و آیات اذن قتال را مژده به فتح مکه و پیروزی مسلمانان بر مشرکان دانسته و آیه ۲۵ حج که از ممانعت مشرکان بر ورود مسلمانان به مسجدالحرام خبر داده را قرینه‌ای بر نزول این سوره قبل از حدیبیه دانسته است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵۱۴/۷)

در پاسخ به سؤال چهارم اغلب مفسران دغدغه کشف مخاطبان آیه با توجه به سیاق آن را نداشته‌اند. بنا بر نص صریح آیه ۴۰ حج، خداوند اذن قتال را برای دفاع از مؤمنانی که تنها به جرم اعتقاد توحیدی از سرزمین خود بیرون رانده شدند، نازل کرده است. از سویی همه مفسران مراد از کسانی که از سرزمینشان اخراج شده‌اند را مهاجران مکه دانسته‌اند و از سویی تنها به ذکر مدنی بودن آیات جواز قتال بسنده کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۳۲۱/۷؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸: ۳۳۵/۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۸/۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۲۳). درحالی‌که اگر این آیات در مدینه نزول یافته

باشد، خطاب آیات جهاد همواره به طور مشترک با مهاجران و انصار بوده و تنها صدور اذن قتال به مهاجران امری بی‌معناست. ضمن آنکه جز در جنگ بدر که مهاجران در صدد تصاحب اموال مشرکان برآمده و به‌طور پیش‌بینی‌نشده به جنگ بدر دچار شدند (مغازی، ۱۳۶۹: ۱۴-۱۵)، گزارش هیچ جنگی را نمی‌توان یافت که تنها مهاجران به جهاد رفته باشند که این آیات را بتوان اذن قتال برای جنگ خاصی در نظر گرفت. ضمن آنکه هیچ مفسری شأن نزول این آیات را

هیچ‌یک از غزوات مدینه ذکر نکرده یا برای آن تخصیصی قائل نشده است. در نتیجه اگر به سیاق آیات پایبند باشیم، اذن قتال تنها برای مهاجران صادر شده و هیچ نبردی در مدینه رخ نداده که تنها مهاجران به جهاد رفته باشند. حتی فراتر از آن، در بافت مدینه که همواره مهاجران و انصار دوشادوش یکدیگر جنگیده‌اند، صدور اذن قتال تنها برای یک گروه امری بی‌معناست.

در این میان علامه طباطبایی به این نکته دقت کرده و ذکر مهاجران در این آیات را از باب مجاز جزء به کل دانسته و مدعی شده برخلاف ظاهر آیه، همه مسلمانان اذن قتال یافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۱/۱۴-۵۴۲). درحالی‌که حمل آیه بر مجاز و گسترش معنای آیه برخلاف ظاهر آن بدون اقامه هیچ مدرکی، امری غیرقابل‌پذیرش است.

۴. نقد و بررسی نزول مدنی آیات اذن قتال

مدنی بودن آیات اذن قتال از دو منبع سرچشمه گرفته است. نخست تصور مدنی بودن سوره حج که خود برپایه مستندات شکل گرفته و دوم تصریح مفسران بر مدنی بودن آیات اذن قتال. بر همین اساس در ادامه هریک به طور مستقل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نخستین مستند نزول مدنی سوره حج، اقوال صحابه و تابعین در این خصوص است که پیشتر بیان شد و آنان را از سه منظر می‌توان نقد کرد.

نخست، برحسب تتبع فراوان این پژوهش، روایات نزول مدنی تمام سوره حج را تنها مفسران معدودی (طوسی، ابن عطیه و سیوطی) نقل کرده‌اند که هریک از آنها نیز نام افراد مختلفی را ذکر نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که موافقان نزول مدنی سوره حج در معرفی

متقدمان، تقریباً هیچ اشتراکی ندارند. این بدان معناست که به‌عنوان مثال اگر مفسری از عبد الله بن زبیر یاد کرده، در انتساب این دیدگاه به ابن زبیر متفرد بوده است.

دوم، در ادامه از متقدمانی یاد خواهد شد که برخلاف صحابه و تابعین مذکور، قائل به نزول مکی سوره حج جز آیات انگشت‌شماری از آن هستند که نتیجه این تعارض بی‌اعتباری اقوال همه متقدمان در تاریخ‌گذاری سوره حج خواهد بود.

سوم، ابن عباس تنها صحابه‌ای است که قائل به نزول مدنی سوره حج بوده است. لیکن نکته درخور آن است که موافقان نزول مکی سوره حج نیز با ذکر دو روایت، ابن عباس را قائل به نزول مکی این سوره دانسته‌اند که این تعارض نشان از بی‌اعتباری انتساب این دیدگاه به ابن عباس و در رویکردی کلی‌تر تمامی صحابه و تابعین دارد.

دومین مستند نزول مدنی سوره حج، روایات ترتیب نزول است که این سوره را بین دو سوره نور و منافقون قرار داده و بدین‌سان تاریخ‌گذاری آن را به اواخر سال پنجم هجری رسانده است. بیشتر به تفصیل بیان شد که این تاریخ‌گذاری از سویی با سیاق حتمی آیات اذن قتال که نشانگر آغاز جهاد مسلمانان با نزول این آیات است ناهمخوان بوده و از سوی دیگر با سیاق کلی سوره که نشان از قدرت فراوان مشرکان در زمان قبل از هجرت و ایجاد تشکلی نوپا در میان مسلمانان دارد، متعارض است؛ از این‌رو اکثریت مفسران با تصریح بر آغاز جهاد با نزول آیات اذن قتال و یا تصریح بر نزول این آیات در ابتدای هجرت پیامبر، بر اعتبار روایات ترتیب نزول در تاریخ‌گذاری این سوره خط بطلان کشیده‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۳؛ سمرقندی،

بی‌تا: ۴۶۲/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵/۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶۸/۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۶/۱۴-۴۷۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۱۰/۲۰-۱۱؛ مراغی، بی‌تا: ۱۱۸/۱۷).

سومین مستند نزول مدنی سوره حج، شأن نزول‌های مطرح ذیل آن است که از جهات گوناگون قابل مناقشه است.

نخست، آنکه ذیل بسیاری از آیات که شأن نزول‌های مدنی دارد، چندین سبب نزول متفاوت نقل شده که تعدد اسباب و تعارض آنها موجب بی‌اعتباری سبب نزول‌ها می‌گردد. مگر آنکه بپذیریم این روایات در حقیقت سبب نزول نیستند و درصدد بیان مصداقی برای آیه بوده‌اند که در این صورت نمی‌توانند زمان نزول آیه را تعیین نمایند و نقش خود در کشف تاریخ‌گذاری سوره را از دست می‌دهند.

دوم، اسباب نزول‌های این سوره آمیخته‌ای از اسباب مکی و مدنی هستند و اسباب مدنی آن نیز زمان نزول این سوره را از سال دوم تا هشتم هجری تاریخ‌گذاری می‌نمایند که این تشتت و پراکندگی نقطه ضعف مهمی در پذیرش این اسباب خواهد بود.

سوم، برخی مفسران سبب نزول ذیل دو آیه نخست سوره حج را نیز ابتدا نقد سندی کرده و سپس با توجه به سیاق مکی آن آیات، ذکر آنها در جنگ مریسیع را تنها قرائت آنها توسط پیامبر و نه نزولشان دانسته‌اند و ادعای یک صحابی درباره نزول این آیات در مریسیع را ناشی از بی‌اطلاعی او از نزول آیات مذکور توصیف کرده‌اند (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۳۳/۱۷-۱۳۴)؛ درعین حال اگر آن صحابی تعبیر «نزولت فی» برای این سبب نزول را از باب تسامح به کار برده باشد و مرادش زمان نزول این آیات در جنگ مریسیع نباشد،

هجرت است. هرچند در صحت این مسأله به‌عنوان قاعده کلی تردیدی نیست، اما این برداشت که آیات اذن قتال در آخرین برهه حضور پیامبر در مکه نازل شده باشد، با این قاعده قابل جمع بوده و محل بررسی است. از این رو در قسمت دوم این نوشتار به تفصیل به تاریخ نزول آیات اذن قتال پرداخته خواهد شد.

۵. خوانش مکی آیات اذن قتال

در مقابل دیدگاه نخست، برخی مفسران سوره حج را در مکه تاریخ‌گذاری کرده و مدنی بودن تعداد اندکی از آیات آن را پذیرفته‌اند؛ چنان که برخی ده آیه این سوره از جمله آیات اذن قتال (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۱۱/۳-۱۱۲)، برخی تنها سه آیه (سمرقندی، بی تا: ۴۴۷/۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۹۹/۲۳)، گروهی شش آیه (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵/۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۴/۴) و برخی معدود آیتاتی از این سوره را مدنی دانسته‌اند (فیض، ۱۴۱۵: ۳۶۱/۳؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۸-۷/۶). آلوسی احتمال مکی بودن کل سوره حج را مطرح کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۵/۹).

دروزه ضمن بیان مکی بودن سوره حج در مصحف قدراوغلو، گزارش قابل توجهی از آیات مدنی سوره حج در این مصحف مورد اعتماد جامعه الازهر ارائه کرده که دست‌بندی آن به شکل ذیل است: گروه اول آیات مدنی، آیات ۱۹-۲۴ که در وصف عذاب مشرکان و پاداش بهشت نیکان در قیامت است. گروه دوم آیات ۲۵-۲۷ که از ممانعت مشرکان از دینداری و ورود مسلمانان به مسجدالحرام سخن گفته است. گروه سوم آیات ۳۸-۴۱ مربوط به اذن قتال؛ گروه چهارم آیات ۵۲-۵۵ منتسب به افسانه غرائیق؛ گروه پنجم

روایت اساساً از سبب نزول بودن خارج شده و تنها بیانگر قرائت این آیات توسط پیامبر در آن جنگ است که با نزول مکی آنها در سال‌های قبل قابل جمع است.

چهارم، آنچه به‌عنوان اسباب برخی آیات همچون آیات ۱۹-۲۲ که توصیف آخرت مسلمانان و مشرکان است نقل شده، بیشتر به مصداق شبیه هستند تا اسباب نزول. از این رو بسیاری از مفسران سبب نزول عامی برای این آیات ذکر کرده‌اند که بیشتر بیان شد و برخی نیز به‌صراحت به نقد اسباب نزول مذکور پرداخته‌اند (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۶).

پنجم، ذیل آیه ۲۵ سوره حج، سبب نزولی تنها سبب برای قسمت آخر آیه معرفی شده که لازمه آن نزول قسمت اول و دوم آیه در دو زمان مختلف است. درحالی‌که نزول دویاره یک آیه ادعایی فاقد سند و برخلاف سیر طبیعی نزول قرآن است.

ششم، لازمه اعتماد مطلق به روایات اسباب نزول ذیل سوره حج، پذیرش نزول مکی-مدنی این سوره و حتی پذیرش نزول آیات ۵۲-۵۵ این سوره به مناسبت افسانه غرائیق است. لذا از سویی با تکیه بر اسباب نزول نمی‌توان به نزول مدنی این سوره و به‌ویژه آیات اذن قتال که به‌صراحت اسباب نزول مکی دارد^۱ دست یافت و از سوی دیگر با وجود سبب نزول افسانه غرائیق در میان اسباب نزول این سوره، نمی‌توان بدون نقد و بررسی به این روایات اتکا نمود.

چهارمین مستند تصریح مفسران بر تشریح حکم جهاد در مدینه و به تبع آن نزول آیات اذن قتال پس از

۱. روایات مربوط به آیات اذن قتال در ادامه‌ی مقاله به تفصیل ذکر خواهد شد.

آیات ۵۸-۶۰ درباره پاداش مهاجرانی که در راه هجرت شهید شدند (دروزه، ۱۳۸۳: ۸/۶). چنان که هویداست سیاق آیات گروه اول نه تنها دلالتی بر مدنی بودن ندارد، بلکه با سیاق آیات مکی هماهنگ تر است. آیات ردّ غرانیق نیز هرچند درباره این افسانه نازل نشده، اما سیاقی کاملاً مکی دارد. دروزه نیز آیات ۲۵-۲۷ را در خلال تفسیرش مکی دانسته است (دروزه، ۱۳۸۳: ۳۴/۶-۳۵). در نتیجه در نهایت ۲۴ آیه در این سوره مدنی معرفی شده که سه گروه از آنها دچار مناقشات جدی است و تنها احتمال مدنی بودن آیات اذن قتال و آیات مربوط به پاداش مهاجرانی که قبل از رسیدن به مدینه از بین رفتند، محل تأمل است که این نوشتار نزول مدنی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

الف) اقوال متقدمان

مفسران در گزارش دیدگاه متقدمان به آراء برخی از آنان در خصوص مکی بودن سوره حج پرداخته‌اند. چنان‌که طبق روایتی از ابن عباس، سوره حج تنها با سه آیه مدنی، مکی شناخته شده و در روایت دیگری از او آیات مدنی این سوره تنها ۴ آیه گزارش شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۰۵/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱/۱۲). فیض نیز مکی بودن سوره حج جز آیات انگشت‌شماری از آن را به ابن عباس، حسن بصری و عطاء منتسب ساخته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۶۱/۳).

ب) روایات شأن نزول

برخی مفسران متقدم به بیان شأن نزول آیات اذن قتال پرداخته‌اند که در بازشناسی زمان نزول آنها

راهگشاست. گزارش این روایات چنین است: روایت نخست از ابن عباس نقل شده که آیات اذن قتال هنگامی که پیامبر درصدد هجرت از مکه به مدینه بوده، نازل شده و بر فرارسیدن نصرت الهی (که برای غلبه در قتال به آن وعده داده شده) تصریح کرده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۲۲-۱۲۳) که از آن بروز قتال میان مسلمانان و مشرکان در ایام هجرت استنباط می‌شود.

روایت دوم از سعید بن جبیر نقل شده که هنگامی که پیامبر از مکه خارج شد، مردی از مشرکان گفت: «پیامبرشان خارج شده» که آیات اذن قتال نازل گشت (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۲۳). این گفتار مرد مشرک طبعاً برای جلوگیری از خروج پیامبر از مدینه و قتل ایشان در مکه بوده است. لذا اقتضای نزول این آیات، رخ دادن درگیری میان مسلمانان و مشرکان در راه هجرت بوده تا مسلمانان با غلبه بر دشمن امکان خروج از مکه را بیابند.

روایت سوم از ابن عباس نقل شده که هنگامی که پیامبر از مکه خارج شد، مردی از مشرکان گفت: «پیامبرشان خارج شده» که ابوبکر گفت: *إِنَّا لِلَّهِ وِ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ*؛ قطعاً کشته می‌شویم. در این زمان آیات اذن قتال نازل شد و ابوبکر دانست که قتال به‌زودی رخ خواهد داد و این اولین آیه در اذن قتال بود (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۲۳؛ ابن-ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۸/۲۴۹۶).

روایت چهارم از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل شده که متنی همانند متن روایت سوم دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۲۳).

روایت پنجم از ابن زید نقل شده که پس از

شد و این زمانی بود که پیامبر اذن مهاجرت به مدینه یافته بود که در این هنگام اذن قتال را هم دریافت کرد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۹۶/۸). این روایت به وضوح از هم‌زمانی هجرت و نزول آیات اذن قتال پرده برداشته است.

لازم به ذکر است که مفسرانی که قائل به نزول مدنی این آیات بوده‌اند، از این روایات به غفلت عبور نموده و در مقابل هیچ روایتی شأن نزولی درباره زمان نزول این آیات ذکر نکرده‌اند؛ بلکه این آیات را بدون هیچ شأن نزولی صرفاً بر پایه اذنی که برای دفاع صادر کرده، مدنی دانسته‌اند.

ج) سیاق سوره

در سیاق سوره مبارکه حج، قرائن قابل توجهی مبنی بر مکی بودن این سوره یافت می‌شود یا دست‌کم با تکیه بر سیاق، به سادگی می‌توان این سوره را در بافت مکه تفسیر کرد.

آیات ۱-۲۴ سوره حج شبیه بسیاری از سور مکی با توصیف عظمت قیامت و هشدار به تحقق حتمی آن آغاز شده و بلافاصله به انذار مشرکان و سست‌ایمانان پرداخته و سپس جزای اخروی این دو گروه و مؤمنان را بیان کرده که همگی نه تنها با مکی بودن این سوره سازگار است بلکه به سبب تمرکز بر مسأله معاد و انذار مشرکان از عذاب قیامت در آیات مختلف، به سیاق سور مکی شباهت فراوانی دارد.

در ادامه آیات ۲۵-۳۷ سوره حج همچنان به نقد مشرکان پرداخته و آنان را به سبب کارشکنی در ایمان مؤمنان و مانع گذاشتن در راه مکه که برای همه اعم از مقیم و مسافر آزاد قرار داده شده، بر حذر

ده سال فرمان به عفو در برابر مشرکان، با نزول آیات اذن قتال جهاد آغاز گردید (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۱۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۹۶/۸). طبعاً اگر دوران رسالت پیامبر در مکه را ده سال بدانیم، با تکیه بر این روایت، آیات اذن قتال در ایام هجرت نازل شده و اگر دوران مکه را سیزده سال بدانیم، این آیات حتی قبل از هجرت پیامبر که دوران هجرت تدریجی مسلمانان به مدینه بوده، فرود آمده است.

روایت ششم از ضحاک نقل شده که با نزول این آیات، گروهی از مسلمانان از مکه به قصد هجرت خارج شدند که مشرکان مانع آنان گردیدند (و طبعاً قتال برای نخستین بار رخ داد) (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۱۷). طبق این روایت این آیات در آخرین روزهای حضور پیامبر در مکه و در آستانه هجرت نازل شده است.

روایت هفتم از مجاهد نقل شده که گروهی از مؤمنان از مکه به سوی مدینه به قصد مهاجرت خارج شدند که مشرکان مانع آنها گردیدند. در این هنگام خداوند آیات اذن قتال را فرو فرستاد و مؤمنان با این اذن، مشرکان را به قتل رساندند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۱۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۹۶/۸). این روایت چنان‌که هویداست به صراحت تمام، از نزول این آیات در آستانه هجرت و بروز نخستین درگیری در راه مکه تا مدینه خبر داده است.

روایت هشتم از عروة بن زبیر نقل شده که اولین آیه درزمینه جهاد، آیات اذن قتال بود. هنگامی که مشرکان در مکه مسلمانان را آزار می‌دادند تا از دینشان بازگردند و آنان را از سرزمینشان اخراج می‌کردند و بر آنان تعدی می‌نمودند، این آیات نازل

داشته^۲ و به همین مناسبت آیات فراوانی را به توصیف اعمال حج و دعوت گسترده پیامبر از مردم برای انجام حج اختصاص داده است.

دروزه با مکی دانستن آیات مذکور به تبیین عبارت «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» پرداخته و آن را همچون آیات سوره علق که درباره جلوگیری مشرکان از اقامه نماز نازل شده، به معنای جلوگیری آنان از طواف و عبادت مسلمانان در مسجدالحرام دانسته است (دروزه، ۱۳۸۳: ۳۴/۶-۳۵)؛ به این معنا که مشرکان هرگاه مسلمانان مکه وارد مسجدالحرام می‌شدند، آنان را آزار داده و مانع عبادت ایشان می‌گردیدند. چنان‌که گزارش‌های تاریخی فراوانی از آزار مسلمانان حتی پیامبر از سوی مشرکان در حین عبادت نقل شده است (مسلم، ۳: ۱۴۱۸-۱۴۲۰؛ ابن حجر، ۱۴۰۸: ۱/۵۹۴).

ضمن آنکه با توجه به توصیفی که از یکسانی امکان استفاده از مسجدالحرام برای زائر و مقیم بیان شده، محتمل است این آیه در نقد ممانعت مشرکان از ورود تازه‌مسلمانان مدینه به مسجدالحرام باشد که طبق گزارش‌های تاریخی دست‌کم دو سال در حج حضور داشته و با پیامبر پیمان بستند (برای مشاهده حضور انصار تازه‌مسلمان در مکه و پیمان‌های آنان رجوع کنید به: ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۴۷-۱۶۸). این احتمال با توجه به آیه ۲۷ حج مبنی بر دعوت گسترده پیامبر از مردم که با هر مرکبی به حج بیایند که طبعاً دعوت از یاران مسلمان خود در پوشش دعوت عمومی برای حج بوده

تقویت می‌شود.^۳

فراخواندن مردم به حج در آیه مذکور زمانی معنادار است که پیامبر خود یا در مکه حضور داشته باشد و یا امکان حج‌گزاری داشته باشد. در غیر این صورت در نزول این آیه از سال اول هجری تا فتح مکه در پایان سال هشتم که مسلمانان امکان حج‌گزاری نداشته و مشرکان از ورود آنان به مکه ممانعت می‌ورزیدند، امری بی‌معناست.

از دیگر سو، طبق گزارش‌های تاریخی، پیامبر دو بار قبل از هجرت که یکی از آنها آخرین سال حضورشان در مکه بوده و یک‌بار هم در سال دهم هجری، به حج رفتند که به حجة‌الوداع مشهور شده است (طبری، ۱۳۸۷: ۱۵۹/۳-۱۶۰)؛ در نتیجه اقتضای نزول آیه ۲۷ حج آن است که یا در سال سیزده بعثت در مکه یا سال دهم هجری در مدینه نازل شده باشد که بنا بر سیاق سوره و اتفاق نظر مفسران، قطعاً در سال دهم هجری نازل نشده است.

ضمن آنکه در آیات ۲۸-۳۷ سوره حج، احکام متعددی از مراسم حج ذکر شده که اگر این سوره طبق نظر برخی مفسران در سال اول هجری نازل شده باشد، صدور این همه احکام جزئی برای حج درحالی‌که مسلمانان تا سال‌ها بعد به مکه نخواهند رفت، توجیه منطقی ندارد، بلکه طبعاً این آیات احکامی در شرایطی که مسلمانان نزدیک به ایام حج‌گزاری هستند، نازل گردیده که باز نزول این آیات در سال آخر حضور پیامبر در مکه را تقویت خواهد کرد.

درنهایت با توجه به قرائن متعدد مکی بودن

۲. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءٍ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (حج/۲۵).

۳. «وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج/۲۷).

برای مسلمانان و دفاع خداوند از آنان و در ادامه از سرنوشت دیگر اقوام تکذیب‌گر سخن گفته که همگی با تقویت روحیه مسلمانان برای آغاز مبارزه مسلحانه با مشرکان و رفع ترس از آنان مناسب است.

پنجم، آیه ۴۱ دستورات اخلاقی - عبادی به مسلمانان پس از تمکن بر زمین و غلبه بر دشمن صادر نموده که این موقعیت با نزول این آیه در آستانه ورود آنان به مدینه و تشکیل اولین جامعه مستقل اسلامی همخوانی دارد.

با تتبع فراوان، ثعالبی تنها مفسری است که به تبیین آیات اذن قتال با تکیه بر فضای جامعه مکه پرداخته است. وی ابتدا آیه ۳۸ که وعده دفاع خداوند از مؤمنان در برابر کسانی است که کافر و خیانت‌پیشه‌اند را چنین تفسیر کرده که جمعیت مسلمانان در مکه زیاد شده بود، اما همچنان تحت فشار مشرکان بودند؛ از این رو درصدد قتل غافلگیرانه کفار برآمدند که خداوند از غیرمسلمانان به سبب کفر و خیانت اعلام براءت جست تا مسلمانان با مکر و حیله کافرکشی نکنند؛ اما در برابر مشرکانی که آنان را می‌کشتند، به ایشان اذن دفاع داد و صدور جواز دفاع زمانی بود که پیامبر و مسلمانان در آستانه هجرت قرار گرفته بودند (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴/۱۲۵-۱۲۶).

در حوزه قرائن برون‌متنی نیز به روایات و گزارش‌های تاریخی می‌توان استناد کرد.

در زمینه نخست روایات شأن نزول که پیشتر بیان شد، نشانگر نزول آنها در آستانه هجرت پیامبر است.

در زمینه دوم، توجه به دو گروه از گزارش‌های تاریخی که نشانگر نزول آیات اذن قتال در آخرین

آیات مذکور، می‌توان احتمال داد نتیجه فراخوان عمومی پیامبر برای مراسم حج‌گزاری، حضور ۷۰ نفر از مسلمانان انصار در این مراسم و پیمان عقبه دوم بوده که نقش عمده‌ای در هجرت پیامبر به مدینه داشت. با پذیرش این فرض، طبعاً سوره حج در حدود شوال تا ذی‌الحجه سال سیزدهم بعثت نازل شده و پیامبر در ربیع‌الاول سال چهاردهم (سه ماه بعد) به مدینه هجرت نموده است.

پس از آیات مربوط به فرایند حج، آیات ۳۸-۴۰ به مسلمانان مکه که به سبب ظلم مشرکان مجبور به هجرت شده‌اند، اذن قتال با مشرکانی که با آنان می‌جنگند را صادر فرموده است. هرچند عموم مفسران به سبب اذن قتال، این آیات را مدنی تلقی کرده‌اند، لیکن با ارائه قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، می‌توان خوانش متفاوتی از آنها در فضای مکه ارائه کرد.

در حوزه قرائن درون‌متنی آیات که نشان از نزول مکی آنان دارد، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: نخست آنکه این آیات اذن قتال را تنها برای مهاجران صادر نموده است.

دوم، جواز قتال در این آیات تنها در حدّ دفاع مسلمانان در برابر هجوم مشرکان است تا زمانی که دفع حمله شود.

سوم، آیه ۴۰ توجیهاتی برای حکمت اذن قتال بیان کرده که احتمالاً درصدد تقویت برخی مسلمانانی است که از کشتن مشرکان ابا داشته و دچار عذاب وجدان می‌شدند یا گمان می‌کردند قتال با مشرکان با رأفت و صبر اسلامی که سال‌ها به آن مأمور بودند، در تضاد است.

چهارم، در این آیات از فرارسیدن نصرت الهی

ماه‌های حضور پیامبر در مکه است، حائز اهمیت است که در قسمت بعد بیان می‌گردد.

چنان‌که پس از آیات اذن قتال و آیات پس از آنکه مشرکان را به سختی از ابتلا به عاقبت شوم اقوام تکذیب‌گر قبلی برحذر داشته، آیات ۵۸-۶۰ به مسأله مهاجران پرداخته و به گروهی از آنان که در پی سختی راه گرفتار مرگ شده یا شهید می‌شوند، وعده بهشت داده است. شهادت برخی مهاجران از یک‌سو دلیل واضحی بر صحت گزارش‌های تاریخی مبنی بر درگیری میان مهاجران و مشرکان است و از سوی دیگر پیوند این آیات با آیات اذن قتال را در تاریخ‌گذاری برجسته نموده و نشانگر نزول جواز مبارزه در آخرین برهه دوران مکه برای مسلمانانی است که قصد هجرت داشته و در معرض هجوم مشرکان در راه قرار گرفته‌اند. بر همین اساس به‌صراحت در آیه ۶۰ سوره حج، اذن مقابله به مثل برای مسلمانان صادر شده تا مانع از تجاوز مشرکان شوند. طبعاً با توجه به شهادت گروهی از مهاجران، مراد از مقابله به مثل، کشتن مشرکانی است که حمله می‌کنند. لازمه این مسأله نیز نزول آیات اذن قتال در مکه است تا در راه هجرت نمود عملی آن تحقق یابد.

دروزه از آیات مکی ۱۲۶ نحل و ۳۶-۴۳ شوری که اذن مقابله به مثل با مشرکان درباره آزارهای آنان را صادر کرده، مثال زده تا نشان دهد نه تنها در مدینه، بلکه گاه در مکه نیز قدرت مسلمانان به حدی افزایش یافته که توانایی دفع نسبی شر دشمنان را داشته‌اند (دروزه، ۱۳۸۳: ۶۸/۶-۷۰).

پس از آن، آیات ۶۱-۶۶ به توصیف قدرت مطلق الهی در آفرینش هستی، اداره آن و احیای آن در

رستاخیز پرداخته که هم به‌وضوح به سایر آیات مکی در این حوزه شبیه است و هم با بیان قدرت لایزال الهی مسلمانان را قوت بخشیده و مشرکان را غیرمستقیم اندازار نموده است. آیات ۶۷-۶۸ با توصیف آنکه خداوند بر امتی مناسکی تعیین کرده که درباره آن نباید نزاع کرد و خداوند خود در قیامت درباره حقانیت آنها داوری خواهد نمود، گام جدی در آرام کردن فضای متشنج اواخر دوران بعثت نموده و مسلمانان را از هر نوع جدالی با مشرکان برحذر داشته است؛ اما عمق ناآرامی اجتماعی مکه در این دوران با آیات ۷۱-۷۴ آشکار می‌گردد. در این آیات خداوند تندترین توصیف را از خشم مشرکان نسبت به مسلمانان بیان کرده که گویی آنان با شنیدن آیات قرآن از شدت ناراحتی می‌خواهند به مسلمانان حمله‌ور شوند.^۴ این حالت تهاجمی مشرکان و آستانه تحمل اندک آنان در برابر مسلمانان از سویی به‌وضوح نشانگر آن است که راه تعامل و زیستن در مکه برای مسلمانان بسته شده و از سوی دیگر موجب انذارهای تند و مستقیم خداوند در آیات بعد به مشرکان شده است. توصیف این آیات از تعامل مسلمانان و مشرکان نیز به‌وضوح نشانگر رویارویی مستقیم آنان در شرایط بدون جنگ اما سرشار از خشونت است که این موقعیت بدون تردید در اواخر دوران مکه قابل مشاهده است.

درنهایت، آخرین فراز سوره حج نیز مسلمانان را به پیروی از ابراهیم خلیل که پدر مؤمنان لقب گرفته فراخوانده و از آنان خواسته تا در راه خداوند به

۴. ﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ بَتَلُونَهُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا...﴾ (حج/۷۲).

شایستگی جهاد کنند و برحسب آنکه دین خداوند دین عسر و حرج نیست، خود را از گرفتاری برهانند. طبعاً هجرت ابراهیم از میان امت خود برای دفاع از عقیده، وجه اشتراک مهم او با مسلمانان در این دوران است و عبارت «وَمَا جَعَلْ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» نشانگر دشواری غیرقابل تحمل زیستن مسلمانان با مشرکان در مکه است.

درمجموع از این برداشت سوره حج به دو دستاورد می‌توان رسید.

نخست، سیاق پیوسته آیات سوره حج، برخلاف قول مشهور نه تنها مؤید نزول مکی - مدنی این سوره نیست، بلکه سیاق نشانگر نزول مکی و البته پیوسته آیات این سوره از ابتدا تا انتها در برهه زمانی چندماهه است.

دوم، نزول مکی این سوره و به طور دقیق نزول آن در آخرین برهه حضور پیامبر در مکه که با توجه به آیات حج در این سوره، طبیعتاً نزول آن در حوالی ماه‌های حج‌گزاری آخرین سال حضور پیامبر در مکه بوده و پیامبر یک تا دو ماه پس از آن هجرت فرموده است.

د) گزارش‌های تاریخی

آخرین مستند نزول مکی سوره حج، گزارش‌های تاریخی است که همگام با سیاق، نشانگر نزول این سوره در آخرین سال بعثت است که پیامبر خود هنوز در مکه بوده اما مسلمانان پیوسته و اغلب مخفیانه هجرت می‌کردند و در راه هجرت امکان درگیری با مشرکان وجود داشته است. در این باره تنها به ذکر چند گزارش تاریخی بسنده می‌شود.

ابتدا گزارش‌های فراوانی که نشان از تدریجی بودن فرایند هجرت مسلمانان در سال‌های آخر حضور پیامبر در مکه دارد. به گونه‌ای که مسلمانانی که قصد هجرت داشتند به تدریج و به صورت پنهانی قبل از پیامبر هجرت کردند و با هجرت پیامبر این فرایند به پایان رسید؛ نه آنکه هجرت به شکل دفعی و یک‌باره تنها با هجرت رسول خدا رخ داده باشد. براین اساس انتهای هجرت خروج پیامبر بوده و ابتدای آن مدت‌ها قبل (به طور تخمینی یک الی دو سال قبل از هجرت پیامبر) آغاز شده است (احمد العلی، ۱۳۸۵: ۶۰-۶۲). از این رو آیه ۱۱۰ نحل که به مقوله هجرت می‌پردازد را برحسب جایگاه این سوره که هفتادمین سوره مکی است (دروزه، ۱۳۸۳: ۱۶/۱)، می‌توان آغاز فرایند هجرت دانست که با بشارت به آینده، مؤمنان را به مهاجرت فراخوانده و آیات عتاب‌آمیز سوره عنکبوت را که مسلمانان سست‌ایمانی که قصد هجرت ندارند را مذمت کرده، آخرین مراحل این فرایند دانست. نتیجه این مسأله آن است که آیات مربوط به مشکلات مهاجران و اذن قتال به آنان بدون تردید در اواخر دوران بعثت در مکه (زمانی که مسلمانان در حال هجرت بودند اما پیامبر هنوز در مکه حضور داشته) نازل شده است.

ابن اسحاق در این باره نخست به نزول آیات اذن قتال پس از بیعت عقبه دوم اشاره کرده و آغاز هجرت مسلمانان به مدینه را یک سال قبل از عقبه دوم (بعد از عقبه اول) دانسته است. وی در ادامه به تفصیل از هجرت گروه‌های چند نفره مسلمانان به مدینه با ذکر نام آنان سخن گفته که اغلب بعد از عقبه دوم به تدریج هجرت نمودند. سپس تأکید کرده هر آن کس که در پی

مهاجرت بود هجرت کرده بود و پیامبر خود در مکه مانده بود تا فرمان هجرتش صادر گردد. در این زمان تنها حضرت علی و ابوبکر با اجازه پیامبر در مکه باقی مانده بودند اما سایر مسلمانانی که تخلف نموده و هجرت نکرده بودند یا به حبس یا به فتنه و آزار مبتلا شدند (ابن هشام، بی تا: ۴۶۷/۱-۴۸۰).

علامه جعفر مرتضی نیز آغاز هجرت مسلمانان به مکه را بعد از عقبه دوم دانسته که سیزده ماه قبل از هجرت پیامبر در حجةالوداع منعقد شد (عاملی، بی تا: ۳۴۶/۳). لازم به ذکر است مورخان، سه عقبه در ذی الحجه سه سال آخر بعثت برای دیدارهای مردم مدینه با پیامبر ذکر کرده اند که برخی اولی را نام گذاری نکرده و دومی و سومی را عقبه اول و دوم نامیده اند که سومی در ذی الحجه سه ماه قبل از هجرت پیامبر با حضور ۷۰ نفر از انصار تحقق یافته است. درحالی که برخی اولی و دومی را به نام دو عقبه نام گذاری کرده و سومی را بیعت جنگ نامیده اند که مردم مدینه متعهد به دفاع نظامی از پیامبر شدند (یوسفی غروی، بی تا: ۱۴۱/۲-۱۴۲).

چنان که از گزارش علامه جعفر مرتضی هویدا است، وی دیدگاه دوم را اتخاذ نموده که عقبه دوم را یک سال و اندی قبل از هجرت پیامبر دانسته و هجرت تدریجی مسلمانان به مدینه را از آن زمان تاریخ گذاری کرده است.

دومین گزارش ماجرای هجرت عمر و عیاش بن ابی ربیع به مدینه که قبل از هجرت پیامبر به مکه رفته اند و عمر در زمره معدود افرادی بود که با بیست سوار از مکه خارج شد و مشرکان را تهدید کرد که در صورت تعقیب او با آنان خواهد جنگید. با

وجود این پس از رسیدن به مدینه، برادران عیاش که همراه با عمر بودند، به تعقیب او آمده و وی را به مکه بازگرداندند و سالها با اسارت او مانع از هجرت مجدد وی شدند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۷۲/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۲۵/۳). طبق این گزارش هم مسلمانان در صورت هجوم مشرکان در راه هجرت اذن دفاع و جنگ داشته اند که لازمه آن نزول آیات اذن قتال پیش از آن است.

نمونه سوم باب مستقل و مفصلی است که بیهقی برای مسلمانانی که قبل از پیامبر به مدینه هجرت کردند، گشوده و نامهای آنان را ذکر کرده - است (بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۵۸/۲-۴۶۴).

در گزارش چهارم نیز برخی محققان درباره تدابیر پیامبر در خصوص چگونگی هجرت اصحاب که اغلب مخفیانه و برخی آشکار از مکه خارج می شدند سخن گفته و سپس به تبیین تلاشهای وافر قریشیان همچون حبس و شکنجه و تفتیش عقاید مسلمانان و تعقیب آنان در راستای ممانعت از هجرت آنان پرداخته اند (عاملی، بی تا: ۳۵۰/۳-۳۵۲).

۶. پیامدهای نزول مکی آیات اذن قتال طبق تفسیر مکی سوره حج، آیات اذن قتال نخستین آیاتی است که درباره جهاد در آخرین ماههای حضور پیامبر در مکه نازل شده و مخاطب آن مهاجرانی هستند که اذن قتال یافته اند تا در صورت تهاجم مشرکان به آنان در راه مکه به مدینه، اجازه دفاع از خویشان را داشته باشند و برخلاف تمام سالهایی که با عفو در برابر آزار مشرکان صبوری کردند، از موجودیت خود دفاع نمایند.

۷. نقد و بررسی نزول مکی آیات اذن قتال

شبهات بسیار سوره حج به سور مکی از جمله آیات فراوانی که به نقد عملکرد و باور مشرکان پرداخته، از چشم بسیاری از مفسران دور نمانده و موجب شده تا به وجود آیات مکی در این سوره اذعان نمایند؛ تا حدی که برخی غالب این سوره را مکی دانسته و وجود آیات مستثنای مدنی را در آن پذیرفته‌اند.

اما لزوم مدنی بودن دستکم برخی از آیات این سوره از نگاه مفسران، به باور راسخ آنان در خصوص عدم نزول آیات اذن قتال در مکه و سپس دفعی دیدن مقوله هجرت بازمی‌گشت که به تبع آن آیات اذن قتال را مدنی تلقی کرده و نزول آیات مربوط به سرنوشت مهاجران را نیز پس از هجرت تصور نموده‌اند. لیکن با تبیین فرایند تدریجی هجرت مسلمانان و درگیری مسلحانه مشرکان با آنان در این مسیر، لزوم نزول آیات اذن قتال قبل از هجرت پیامبر آشکار گردید. چنانکه روایات شأن نزول و گزارش‌های تاریخی نیز در این باره سیاق را تأیید نمودند. از این رو نه تنها برخی آیات سوره حج مختص فضای مدینه نیست، بلکه تمامی آیات آن با وقایع آخرین سال بعثت و بافت مکه همخوان است. در نتیجه مفسرانی که بر نزول این سوره در ابتدای هجرت تأکید نموده‌اند، گام بلندی در راستای فهم آن برداشته‌اند؛ جز آنکه بر دو باور رایج تاریخی ناصواب تکیه کرده‌اند؛ اما این نوشتار با اصلاح دو باور رایج تاریخی درباره زمان جواز اذن قتال و چگونگی فرایند هجرت مسلمانان، سعی در اصلاح و تکمیل دیدگاه این گروه از مفسران نموده و تاریخ‌گذاری این سوره را از سال نخست هجری به سال آخر حضور پیامبر در مکه منتقل کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه غالب مفسران بر مدنی بودن دستکم بخشی از آیات سوره حج، به‌ویژه آیات اذن قتال استوار است. مستند آنان در مدنی بودن این سوره روایات ترتیب نزول، برخی روایات شأن نزول، اقوال متقدمان و مدنی بودن حکم جهاد است؛ اما تکیه بر همین مستندات، موجب سردرگمی مفسران در تاریخ‌گذاری سوره حج شده است. چنانکه برخی برای جمع میان سیاق مکی سوره و پیش‌فرض مدنی بودن حکم اذن قتال، نزول این سوره در سال اول هجری دانسته‌اند. در حالی که روایات ترتیب نزول تاریخ‌گذاری آن را به سال پنجم هجری رسانده و تکیه بر روایات شأن نزول، این تاریخ‌گذاری را از سال دوم تا هشتم هجری بسط می‌دهد.

لیکن تشبث اقوال متقدمان و تعارض روایات مذکور موجب بی‌اعتباری مستندات نقلی نزول مدنی این سوره شده است. در مقابل سیاق مکی این سوره، روایات شأن نزول ذیل آیات اذن قتال و گزارش‌های تاریخی مبنی بر روند تدریجی هجرت مسلمانان قبل از هجرت پیامبر و درگیری برخی از آنان با مشرکان در مسیر مکه به مدینه، گواهی بر نزول مکی سوره حج به‌ویژه آیات اذن قتال است. بدین‌سان هرچند جهاد در مدینه ظهور یافته، اما به‌سبب حمله مشرکان به برخی مهاجران، آیات اذن قتال در مکه بر پیامبر نازل شد تا مهاجران در مسیر حرکت به سوی مدینه، در صورت هجوم دشمن بتوانند از خود دفاع نمایند. لذا با توجه به هجرت تدریجی مسلمانان قبل از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و لزوم مقابله آنان با مشرکان، این آیات در مکه نازل گردیده و در اندک زمانی در مسیر هجرت نمود عملی یافته است.

- منابع
- اقبال، ابراهیم و عبدالهادی فقهی زاده (۱۳۹۴).
- قرآن کریم. «تاریخ گذاری سوره حج». فصلنامه پژوهش های
- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۹).
تفسیر القرآن العظیم. اسعد محمد طیب. ریاض:
مکتبه نزار مصطفی الباز. چاپ سوم.
- ابن ابی زینین، محمد بن عبد الله (۱۴۲۴). تفسیر
ابن ابی زینین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). الطبقات الکبری.
محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و
التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲). المحرر
الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. بیروت:
دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷). البدایة و
النهایة. بیروت: دارالفکر.
- _____ (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم.
محمد حسین شمس الدین. بیروت: دارالکتب
العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.
- ابن هشام، عبد الملک (بی تا). السیرة النبویة.
مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ
شلبی. بیروت: دارالمعرفة.
- ابوالفتوح، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان
و روح الجنان فی تفسیر القرآن. محمد جعفر
یا حقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس
رضوی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف اندلسی (۱۴۲۰).
البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- قرآنی. دوره ۲۰. شماره ۷۶. ۱۱۲-۱۳۹.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی
تفسیر القرآن العظیم. علی عبدالباری عطی.
بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احمد العلی، صالح (۱۳۸۵). دولت رسول خدا
(تاریخ تفصیلی. تحلیلی مدینه). هادی انصاری.
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸). أنوار التنزیل
و أسرار التأویل. محمد عبد الرحمن المرعشلی.
بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۰۵). دلائل النبوة و
معرفة أحوال صاحب الشریعة. عبد المعطی
قلعجی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۸). جواهر
الحسان فی تفسیر القرآن. شیخ محمد علی
معوذ و شیخ عادل احمد عبد الموجود. بیروت:
دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الكشف و
البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء
التراث العربی.
- حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی (بی تا).
الصحیح من سیرة النبی الاعظم. تهران:
سحرگاهان.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳). التفسیر الحدیث.
قاهره: دار احیاء الکتب العربیه. چاپ دوم.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الاسلام و

- وفیات المشاهیر و الأعلام. عمر عبد السلام تدمری. بیروت: دار الكتاب العربی. چاپ دوم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الكتاب العربی. چاپ سوم.
- سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا). *بحر العلوم*. بیجا: بی نا.
- سید قطب، ابراهیم (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*. قاهره - بیروت: دار الشروق. چاپ هفدهم.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- _____ (۱۴۲۱). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الكتاب العربی. چاپ دوم.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۸). *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*. پرویز اذکائی. تهران: مرکز انتشار نسخ خطی.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). *فتح القدر*. دمشق - بیروت: دار ابن کثیر. دار الکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین. چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. محمد جواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- _____ (۱۳۸۷). *جامع الامم و الملوک*. محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۸). *فتح الباری بشرح صحیح الامام ابی عبدالله محمد بن اسمعیل البخاری*. قاهره: المطبعة البهیة المصریة.
- غازی، عنایة (۱۴۱۱). *أسباب النزول القرآنی*. بیروت: دار الجیل.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵). *الصافی*. تهران: انتشارات الصدر.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸). *محاسن التأویل*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵). *التنبیه و الإشراف*. ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ملاحویش، سید عبدالقادر (بی تا). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.

- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۸۳).
اسباب النزول. علیرضا ذکاوتی. تهران: نشر نی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). مغازی تاریخ
جنگ‌های پیامبر (ص). محمود مهدوی دامغانی.
تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ دوم.
- هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶). تفسیر کتاب الله
- /العزیز. الجزایر: دار البصائر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ
الیعقوبی. بیروت: دارصادر.
- یوسفی غروی، محمد هادی (بی تا). تاریخ
تحقیقی اسلام. تهران: مؤسسه آموزشی پژوهشی
امام خمینی.

